

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش کاتورسک

رقص کاریکاتورهای متحرک



نمایش کاتورسک به نویسندگی و کارگردانی

مریم عظیمی

گفت‌وگو

محسن مصطفی پور که این روزها در تماشاخانه ارغوان روی صحنه است با نگاهی

کاریکاتور گونه به جهان و آنچه تجربه زیست بشر است تلاش دارد تا مفاهیم بنیادین جوامع را به چالش بکشد. خبرنگار صبا به بهانه اجرای این نمایش گفت‌وگویی با عوامل این نمایش انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

محسن مصطفی پور:

هر بار که تئاتر کار می‌کنم دوباره متولد می‌شوم

محسن مصطفی پور که در مقطع کارشناسی در رشته بهداشت با تحصیل پرداخته بنا بر علاقه‌ای که از کودکی به تئاتر داشت در دوره دانشجویی به فعالیت‌های تئاتری خود ادامه داده و در مقطع ارشد در رشته کارگردانی مشغول به تحصیل می‌شود. او در یک پروژه پژوهشی به ادغام کاریکاتور و گروتسک می‌پردازد و امروز با نمایش «کاتورسک» روبروی مخاطبان قرار گرفته است.

مسیر زندگی شما از رشته بهداشت تا صحنه تئاتر چگونه شکل گرفت؟

در سال ۷۸ که من در مقطع دوم ابتدایی تحصیل می‌کردم در شهر پیرانشهر که متولدش هستم نه تئاتری بود و نه سینمایی و نه ارتباطی با جهان هنر وجود داشت. تنها یک معلم داشتم به نام آقای محمدپور که تصمیم گرفت نمایش چوپان دروغگو را با ما کار کند با اشتیاق زیادی که برای بازی کردن نقش داشتم توانستم نقش را میان رقیبان دست بیاورم از آن روز به تجربه دیگری از زندگی علاقه‌مند شدم. انگار یک بار زندگی کردن دیگر برایم کافی نبود برای همین هر بار که تئاتر کار می‌کنم انگار دوباره متولد می‌شوم و زندگی دیگری را تجربه می‌کنم. ولی این عشق و علاقه خاموش شد تا سال ۹۱ که در تبریز در رشته بهداشت شروع به تحصیل کردم. در این مدت توانستم جوایز زیادی دریافت کنم بعد از آن هم مسئول انجمن نمایش پیرانشهر شدم و چند گروه تئاتری راه انداختم و در نهایت نیز ارشد کارگردانی را در دانشگاه هنر تهران دنبال کردم.

ایده «کاتورسک» چگونه شکل گرفت و قرار است به چه شکل ادامه پیدا کند؟

«کاتورسک» حاصل یک سال و نیم کار پژوهشی در دانشگاه هنر بود. پژوهشی در این راستا که ما چگونه می‌توانیم یک در هم آمیزی بین هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی داشته باشیم و از میان هنرهای تجسمی کاریکاتور را انتخاب کردیم. چرا که جهانی که در آن زیست کرده‌ام را از هر جنبه‌ای کاریکاتور گونه می‌بینم. دنیایی که زشتی و نامتجانسی‌اش مرا به یاد گروتسک می‌اندازد. بنابراین من تصویری می‌خواستم که در فرم کاریکاتور و در باطنش ترسناک، خنده‌دار، مقداری سیاه و عجیب و غریب باشد و آنرا در نمونه‌هایی که اجرا می‌شدنمی‌دیدیم. بنابراین تصمیم گرفتم که خودم آن را بسازم و اینگونه شد که «کاتورسک» تجربه شماره ۱ را کار کردیم.

من عقیده دارم که این گروه است که باید کار تولید کند نه اینکه به بهانه یک کار عده‌ای دور هم جمع شوند. چند ماه در کنار هم باشند و بعد از اجرا نیز همه چیز تمام شود. از آنجایی که فلسفه ما داشتن گروه است و یک نگاه حدوداً ۱۵ ساله به این گروه داریم نامش را گذاشتیم «کاتورسک» تجربه شماره ۱. حال ممکن است در تجربه شماره ۲ اصلاً من کارگردان نباشم. وقتی که شما گروهی دارید و آن گروه روز به روز پیشرفت می‌کند اگر اعضای اصلی تشکیل دهنده اسکلتش حفظ شود و هدفدار باشد یا تزی را دنبال کند می‌تواند در دراز مدت بسیار موفق باشد. به نظر من نبود گروه‌ها خلای است که من همه جا آن را احساس کرده‌ام. من هیچ وقت بدون گروه چه در تبریز چه در پیرانشهر و چه در تهران فعالیت نکردم هیچ وقت نتوانستم وارد جمعی بشوم و ۴۰ روز همراهشان باشم و پس از آن همه چیز تمام شود. همین اسکلت اصلی نمایش «کاتورسک» هم متشکل از چند نفر از گروه پیرانشهر و گروه تبریز و در نهایت بچه‌هایی است که در تهران به گروه ملحق شده‌اند.

چه مولفه‌هایی در شکل‌گیری این حرکات دخیل بودند؟

ما در انتخاب جنس و نوع حرکات بازیگران و فرم بدنی‌شان صرفاً و صرفاً از کاریکاتور پیروی می‌کنیم چون غایت ما این بوده که یک کاریکاتور متحرک را روی صحنه داشته باشیم و در کاریکاتور هم ما چند فاکتور اصلی داریم. خط به عنوان عنصر اصلی، یعنی بازیگرها در این اثر روی خطوطی حرکت نمی‌کنند که مثلاً یک بازیگر در یک نمایشنامه رئالیستی روی آن حرکت می‌کند. خطوطی که بازیگرهای این اثر روی آن حرکت می‌کنند به شدت غیر قابل پیش‌بینی است. دومین مورد اغراق و دفرمگی کاریکاتور است، همه سعی ما در این بوده که این اغراق و دفرمگی در بدن بازیگران، شیوه رفتارشان و تقابل‌ها و کنش و واکنشی که نسبت به هم دارند رعایت شود. علاوه بر اینها

ما مردم قبل از هر چیزی مقصریم. بنابراین در اثرم اگر نور مخاطبان نباشد هیچ کدام از این اتفاقات روی صحنه رخ نمی‌دهد.

اگر مخاطبی در این نورپردازی همراهی نکند چه اتفاقی می‌افتد؟

خب، ما هیچ نور دیگری تعبیه نکرده‌ایم. ما ۱۳ چراغ قوه خیلی قوی داریم که صحنه را روشن می‌کنند و اگر یک روزی در یکی از اجراها هیچ کدام از مخاطبان تصمیم نگیرند که نور بدهند ما باید نمایش را تعطیل کنیم و هیچ کدام از آن اتفاق‌های بد نیز رخ نخواهند داد.

در مورد تهیه‌کننده کار بگویید.

آقای ایرانی دورادور مرا می‌شناختند و زمانی که من درگیر نوشتن طرح بودم شرایط را خوبا شدند و اعلام آمادگی کردند که تهیه‌کننده کار شوند. ایشان به صورت حرفه‌ای در زمینه تهیه‌کنندگی تئاتر و سینما فعالیت نمی‌کنند اما همیشه دغدغه فرهنگی اجتماعی داشته‌اند. من و گروه‌م بی‌نهایت از ایشان ممنونیم که ما را حمایت کردند.

مرجان حسینی:

باید انعطاف پذیری‌ام را بالا می‌بردم

مرجان حسینی با نام هنری «آیلار مرجان» به فعالیت‌های هنری می‌پردازد. او فعالیت‌های هنری‌اش را از کانون پرورش فکری آغاز کرده و ۹ سال به کار قصه‌گویی پرداخته و از ۱۵ سالگی به نقالی معطوف شده و در زمینه نقالی، شاهنامه خوانی و آموزش و تدریس شاهنامه فعالیت کرده است.

کاتورسک برای شما از کجا آغاز شد و چگونه به این پروژه ملحق شدید؟

آقای محسن مصطفی پور از دوستان قدیمی من بودند که برای پایان‌نامه‌شان تصمیم گرفتند اثری که ادغامی از کاریکاتور و گروتسک است به عنوان «کاتورسک» روی صحنه ببرند. پروژه در ابتدا صرفاً

در کاریکاتور مقوله‌ای به نام همزمانی برداشت‌ها داریم به عنوان مثال زمانی که به یک کاریکاتور نگاه می‌کنیم نیاز نیست که به دنبال ابتدا یا انتهای آن باشیم به آن شکل که نسبت به تابلوهای دیگر یا سینما یا مدیوم‌های دیگر هستیم. اینجا در یک لحظه و در سریع‌ترین تایم ممکن پیام اصلی تصویر را دریافت می‌کنیم. اگر «کاتورسک» را در یک لحظه متوقف کنید فکر می‌کنم که آن لحظه می‌تواند یک کاریکاتور باشد و این در مورد همه لحظه‌های آن صدق می‌کند. «کاتورسک» یک اثر تجربی است و ما قدم در این وادی گذاشته‌ایم و زمان باید در مورد اینکه تا چه حد موفق بوده‌ایم قضاوت کند.

به کاریکاتور گونگی و اغراق اشاره کردید این دو مولفه در ماسک‌های نمایش شما نیز دیده می‌شود در مورد ایده ماسک‌ها بگویید.

من نمی‌خواستم مخاطبی که می‌آید و کار را می‌بیند فکر کند که با یک پرستار یا یک مهندس و ... روبرو است. من دوست داشتم از طریق حرکات، احساس را بفهمد من به دنبال این بودم که یک عده و یک توده تپ را به مخاطبم نشان دهم. اگر چهره‌ها مشخص می‌بود مخاطب از روی آن چهره‌ها درگیر هم‌زاد پنداری می‌شد. مسلماً اینکه یک آقای زیبا یا یک خانم زیبا حرکتی را انجام بدهد تفاوت بسیار دارد چرا که چهره او در ذهنیت مخاطب تأثیر می‌گذارد اما زمانی که ماسک روی صورتشان است این اتفاق نمی‌افتد. این هم یک تجربه جدید برای من بود که وقتی با ماسک مواجهم باید چگونه هدایت بازیگر انجام بدهم و هم برای بازیگرانم یک چالش دوست داشتنی بود که چه می‌شود اگر صورت‌م را از من بگیرند و مثل بازیگرهای دیگر دیده نشوم.

چرا در زمینه نورپردازی اثر مخاطب را دخیل می‌کنید؟

از آنجایی که جهان بینی و ذهن من این‌گونه است نگرش من این بود که هیچ اتفاقی را خارج از خودم و اجتماع نمی‌بینم و فکر می‌کنم در هر آن چیزی که در جامعه اتفاق می‌افتد اگر اسمش گرانی یا تورم است